



کی کمک می‌کند به خرگوشکِ اوسترن

کتاب تصویری وابسته به فرهنگ‌های گوناگون

3 ● 2

"می‌شود چیزی را برای‌تان بگویم؟ من خرگوشکِ اوسترن هستم. هر بهار هدیه‌های جشن اوسترن را برای کودکان پنهان می‌کنم. امروز رنگ‌ها را آماده می‌کنم، فردا تخم‌ها را رنگ‌آمیزی می‌کنم. امسال می‌خواهم تخم‌ها بسیار قشنگ رنگ‌آمیزی شوند. فرصت کمی مانده که خروس و ماکیان تخم‌ها را برایم بیاورند. شما می‌خواهید تا آن فرصت خرگوشک‌های شوکولاتی اوسترن را ببینید؟"



5 ● 4

"این‌جا- زیرخانه سرد و تاریک است. تمام خرگوشک‌های شوکولاتی آماده هستند. کودکان از دیدن آن‌ها خوش و خوشحال خواهند شد! اوه، خروس بانگ می‌زند. حالا تخم‌ها می‌رسند."



7 ● 6

با شادمانی خرگوشکِ اوسترن می‌گوید: "این همه تخم!"
آواز خروس می‌آید: "سببِ تخم‌ها را این‌جا می‌مانیم."
"گه گک گه گک" گفته صدای ماکیان می‌آید: "تخم‌ها را من و خواهرخوانده‌هایم گذاشته‌ایم! همه آن‌ها جوشانده‌شده است."



برای خداحافظی خروس باز هم بانگ‌زد: "کیکری کی" و "قوقوره قوا!"

9 ● 8

تراکتور واقعاً می‌جنبید و می‌جنباند!
خرگوشکِ اوسترن از خوشحالی می‌خندد و گریپ از تراکتور پایین می‌افتد.
"آخ دستم!" می‌گوید از درد.



3 ● 2 ● 1



11 ● 10

"اوه، اوه، دستت تاو خورده" می‌گوید ماکیان. "دستت را تکان نده! می‌خواهم ببندمش. تو اجازه نداری که دو هفته دستت را شور بدهی."

"شور ندهم؟ این ممکن نیست." می‌گوید خرگوشک اوسترن با پریشانی. "من تا جشن اوسترن تمام تخم‌ها را باید رنگه کنم."

"گه گک، ما می‌توانیم کمکت کنیم."

"تخیر، ماکیانک عزیز، متأسفانه که نمی‌توانید." می‌گوید خرگوشک اوسترن. "تخم‌های جشن اوسترن را تنها ما خرگوش‌ها با دست‌های نرم خود می‌توانیم رنگ‌آمیزی کنیم؛ اما چه می‌توانم حالا بکنم؟ نه می‌توانم تخم‌ها را رنگه کنم و نه هم پنهان! جشن اوسترن بدون تخم‌های رنگارنگ نمی‌تواند باشد!"

کبوترها روی دیوار چوبی نشسته‌اند. تمام حرف‌ها را شنیده‌اند. آن‌ها زیر نول غم غم می‌کنند، چیزی می‌گویند و پرواز می‌کنند.



17 ● 16

خرگوشک اوسترن پریشان روی سبزه‌ها می‌نشیند. صدای چیست؟ و صدای پای صدها خرگوشک را می‌شنود. یکباره جست و خیز می‌زند می‌گوید: "چه خوب که شما آمدید! می‌خواهید شما مرا برای جشن اوسترن کمک کنید؟"



19 ● 18

خرگوشک‌های زیادی جست و خیززان از تمام دور و نزدیک زمین می‌آیند.

خرگوشک اوسترن بسیار شادمان می‌شود و برای همه شان می‌آموزاند که چگونه رنگ‌ها را ترکیب کنند.



3 ● 2 ● 1



21 ● 20

با شور و شوق زیاد دوستان جدیدش کار را آغاز می‌کنند و با سختکوشی تخم‌ها را رنگه می‌کنند. آن‌ها گپ‌زده و خندیده از سفر خود قصه می‌کنند. خرگوشک اوسترن با صمیمیت و اخلاص به آن‌ها می‌نگرد. تخم‌ها یکی از دیگری بهتر رنگ‌آمیزی می‌شوند.



23 ● 22

شب پیش از یکشنبه جشن اوسترن، خرگوش‌ها آرام آرام به سوی خانه‌ها و پارک شهر می‌روند. آن‌ها به تندی تخم‌های خوشرنگ و خرگوشک‌های شوکولاتی را پنهان می‌کنند. "آنجا یک زردک!" آهسته می‌گوید خرگوشک اوسترن. "کودکان هم چیزهای خوشمزه برای ما مانده‌اند!"
پیش از غروب آفتاب تمام هدیه‌های جشن اوسترن را پنهان کردند.



25 ● 24

"حالا ما جشن خرگوشک‌ها را تجلیل می‌کنیم!" می‌گوید خرگوشک اوسترن. "با موزیک و پایکوبی‌های زیاد، و همراه با گل قاصدک، کاهو زردک."
همه خرگوشک‌ها شب و روز مستی می‌کنند، چرخ می‌زنند و می‌خورند.



27 ● 26

هنگام خداحافظی خرگوشک‌ها به چندین زبان می‌گویند:
"هستا لوی گو!"
"گوله گوله!"
"آری وی درچی!"
"آوف ویدرزی هن!"
"خدانگهدار! سال دیگر باز هم می‌آییم!"



پایان

3 ● 2 ● 1